

Examining the interpretive differences between Shiites and Sunnis about the legislative verses on marriage

(Received: 19/10/2021 - Accepted: 27/11/2021)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2022.6.2.4.2>

Ali Ghazanfari¹

Zahra Ghorbankhani²

Fatemeh Ardestani³

Abstract

Considering the interpretive differences that exist about the "verses of the rules of marriage" in the view of Shiite and Sunni commentators, the present article is based on the question about the examples of interpretive differences about marriage with a comparative approach. The "verses of the rules of marriage" have discussed the legitimacy, prohibitions and requirements of marriage, and in each of these issues, there are several differences. This research is based on descriptive method and data collection is based on library method. The findings of this study show that in the discussion of legitimacy, Shiite and Sunni commentators differ in the permission of temporary marriage, so that Shiite commentators believe in the permission and most Sunnis believe in the impermissibility of temporary marriage. In the prohibitions of marriage, views on the creation of the womb through illicit intercourse and marriage with women of the Book differ. There is a difference in the supplies and functions of marriage, the issues of dowry and its amount, the payment of expenses and alimony, as well as the issue of looking, especially looking at a girl with whom he intends to marry, and some of the rules of intercourse.

Key words: Verses of the rules of marriage, interpretation, jurisprudence, sects

1. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Holy Quranic Sciences and Education, Tehran, Iran. ali@qazanfari.net
2. Level 4 student, Comparative Interpretation, Qassem Ibn Al-Hassan Institute of Higher Education, Tehran, Iran. szahraghorbankhani8895@yahoo.com.
3. PhD student, majoring in jurisprudence and basics of law, University of Islamic Religions and students level 4, field of comparative interpretation, Qassem Bin Al-Hassan Institute of Higher Education, Tehran, Iran. Ardestani20@yahoo.co



بررسی اختلافات تفسیری فریقین درباره آیات تشریحی حوزه نکاح

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2022.6.2.4.2>

علی غضنفری^۱
زهرا قربانخانی^۲
فاطمه اردستانی^۳

چکیده

با توجه به اختلافات تفسیری که در حوزه آیات الأحکام نکاح در دیدگاه فریقین وجود دارد، مقاله‌ی پیش رو بر اساس پرسش پیرامون مصادیق اختلافات تفسیری در حوزه‌ی مذکور با رویکرد تطبیقی سامان یافته است. آیات الأحکام نکاح حول محورهای مشروعیت، محرّمات و لوازم و توابع آن احصاء می‌شوند و در هر یک از محورها و موضوعات مذکور، اختلافات متعددی نیز قابل دستیابی است. این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات، بر اساس روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در بحث مشروعیت، فریقین در جواز ازدواج موقت اختلاف دارند، به طوری که امامیه قائل به جواز و معظم اهل سنت قائل به عدم جواز آن می‌باشند. در محرّمات نکاح، دیدگاه‌های مربوط به ایجاد رحم از طریق وطی نامشروع و ازدواج با زنان اهل کتاب متفاوت است و در لوازم و توابع نکاح، مباحث مهریه و مقدار آن، پرداخت متاع و نفقه و همچنین موضوع نگاه، خصوصاً نگاه به مخطوبه و برخی از احکام وطی، اختلافی است.

واژگان کلیدی: آیات الأحکام، نکاح، تفسیر، فقه، فریقین، تطبیقی.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران. ali@qazanfari.net
۲. طلبه سطح ۴، رشته تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی قاسم بن الحسن (ع.ک)، تهران، ایران، (نویسنده مسؤؤل). szahraghorbankhani8895@yahoo.com
۳. دانش آموخته مقطع دکتری، رشته فقه و مبانی حقوق، دانشگاه مذاهب اسلامی و طلبه سطح ۴، رشته تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی قاسم بن الحسن (ع.ک)، تهران، ایران. Ardestani20@yahoo.com

مقدمه

تفسیر آیات الأحكام از نوع تفاسیر موضوعی و اجتهادی است و مبانی فقهی و رویکرد مذهبی مفسر در استفاده از منابع اجتهاد یعنی سنت، اجماع، عقل و ... در کنار توجه به شأن نزول، مفردات، سیاق آیات و ... در آن تأثیرگذار است. بنابراین محلی برای تضارب آراء تفسیری- فقهی به شمار می‌رود. بررسی تطبیقی می‌تواند، جایگاه‌های اختلافی را نمایان سازد. مسئله‌ای که در این جا وجود دارد، امکان بروز اختلافات تفسیری در تفاسیر فریقین است؛ که مقصود از فریقین در نوشتار حاضر، صرفاً مذهب امامیه از شیعه و چهار مذهب رسمی اهل سنت است. در نتیجه‌ی این بررسی می‌توان، با تحلیل علل اختلاف به حل یا پذیرش اختلافات منتهی شده رسید و بدین وسیله، به تقریب مذاهب اسلامی کمک نمود. در نتیجه، بررسی اختلافات تفسیری آیات تشریحی نکاح ضرورت می‌یابد. مجموعه آیات تشریحی نکاح در سه عنوان مشروعیت، محرمات و لوازم نکاح قابل پیگیری هستند و تحقیق حاضر، صرفاً آیات مشتمل بر اختلافات اعم از جزئی و کلی را بر اساس روش توصیفی- تحلیلی مورد تبیین و بررسی قرار داده است.

۱- تعریف مفاهیم

نکاح از ماده «نکح» در لغت به معنای آمیزش یا به معنای عقد است (جوهری، ۱۴۰۷: ۱۳/۱؛ ۴؛ موصلی، ۱۳۶۴: ۱۱۴/۱). نکاح قرارداد و اعتباری است که ریشه در زمان نخستین انسان‌ها داشته و عامل طبیعی تداوم نسل آدمی است. این اعتبار از سوی ادیان الهی مورد پذیرش و ترغیب قرار گرفته، جز آن که دین در بسیاری از موارد بر احکام حاکم بر آن صحنه گزارده و برخی را رد نموده و احکام و قوانین دیگری را برای آن تشریح نموده است. مجموعه قوانین حاکم بر نکاح در اسلام، از متن قرآن کریم با عنوان آیات الأحکام نکاح قابل دریافت است که جزئیات آن در سنت نبوی (ﷺ) تبیین شده است. «آیات» جمع «آیه» به معنی علامت و نشانه‌ی آشکار است که فقراتی از قرآن کریم می‌باشد. همچنین کلمه‌ی «احکام» جمع «حکم» و به معنای قضاء، منع و ... بوده که انشاء یک امر تکلیفی یا وضعی از سوی شارع است، به طوری که اقتضاء یا رخصت در انجام یا ترک آن داشته و یا اثری بر آن مترتب باشد (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۶۲/۱۴؛ رازی، ۱۴۰۴: ۹/۲؛ فاروقی، ۱۹۹۱: ۲۲/۱؛ قلعجی، ۱۴۰۸: ۱۸۴) و مقصود از «آیات الأحکام»، آیاتی هستند که فقهاء آن‌ها را برای استنباط حکم شرعی به کار می‌گیرند (فاکر میبیدی، ۱۳۸۶: ۲۸-۲۷) و علماء اسلامی در مذاهب مختلف امامیه و اهل سنت با کمک روایات به تفسیر آن‌ها پرداخته‌اند.

۲- اختلافات تفسیری در آیات نکاح

در بخش اول، به اختلافات آراء مفسرین فریقین در تفاسیرشان در باب مسئله نکاح، ذیل آیات مورد بحث، پرداخته می‌شود. این اختلافات در مشروعیت حکم متعه، تعیین مصادیق محرّمات نکاح و مباحث حول متعلقات نکاح، مشاهده می‌گردد. در ادامه به تفصیل به این اختلاف آراء تفسیری پرداخته خواهد شد.

۲-۱- اختلاف در مشروعیت

نکاح، پدیده‌ای جدید در حوزه شرع اسلام نبوده و از جانب دین اسلام وضع نشده است، بلکه با نقش نظارتی و وضع موانع و قوانین جدید، این عنوان را امضا و برای آن چارچوبی تعیین نموده است. آیات دال بر مشروعیت نکاح، امضاء و تأیید فعل جاری در عرف با رعایت حدود تعیین شده از جانب شرع می‌باشند. مهم‌ترین موضع اختلاف میان فریقین در مجموع آیات تشریحی نکاح، مسئله ازدواج موقت است که از این آیه قابل دریافت است: ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾ (نساء/۲۴)؛ پس چنانچه از آنها بهره‌مند شوید آن مهر معین که حق آنهاست به آنان بپردازید.»

امامیه و جمهور اهل سنت قائل به نزول این آیه در تشریح و جواز ازدواج موقت یا متعه هستند. البته قول مخالف نیز در اهل سنت وجود دارد و حکم آن را بر طبق برخی روایات منقول از برخی صحابه منسوخ می‌دانند. از «ابن عباس» نقل شده که متعه از صدر اسلام بوده و آیه فوق به این صورت قرائت می‌شده است: ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾؛ این قرائت با نقل‌های متعدد و با مضامین واحد در بسیاری از کتب تفسیری فریقین وجود دارد (طبری، ۱۴۱۲: ۹/۵؛ دمشقی، ۱۴۱۹: ۲/۲۲۶؛ سیوطی، بی‌تا: ۱۴۰/۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۲۳۴). اختلاف اساسی مربوط به تداوم حکم آیه است که امامیه حکم جواز را همچنان جاری دانسته، ولی اهل سنت معتقدند که حکم متعه و آیه آن نسخ گردیده است. قول به عدم مشروعیت با دو دلیل عمده مطرح شده که دلیل اول؛ عدم دلالت آیه بر تشریح متعه است و از طریق اختصاص دادن آیه به نکاح دائم، تبیین شده است. دلیل دوم؛ دلالت آیه بر مشروعیت آن و سپس نسخ حکم آن می‌باشد.

دلیل اول: یعنی اختصاص آیه مذکور به نکاح دائم از طریق روایات، قرائن لفظی و لفظ «استمتاع» توجیه می‌شود. روایات متعددی در کتب فریقین نقل شده که حاکی از ارتباط تام آیه با نکاح دائم است، اما عموماً دارای اسناد ضعیف می‌باشند (طبری، ۱۴۱۲: ۹/۵؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۲/۵۶۵).

۱. عبارت «إلى أجل مُّسَمًّى» از نوع تفاسیر مزجی است که برای شرح و توضیح جمله قبل آورده شده و از رسول اکرم (ﷺ) صادر گردیده است. (عاملی، ۱۴۲۳: ۱/۶۴-۶۳)

از طرف دیگر، واژه «محصنین» با مفهوم ازدواج و عبارت «غیر مسافحین» با استدلال به اشتراک سفح و هدر دادن منی در زنا و متعه، به عنوان قرائن لفظی آیه، می‌توانند قول به دلالت آیه بر نکاح دائم را موجه سازند (جصاص، ۱۴۰۵: ۹۷/۳). البته این قرائن و دلایل نیز قابل استدلال نیستند، زیرا مراد از احصان در این آیه، عفت است نه احصان به معنای ازدواج که موجب ثبوت رجم می‌شود و عبارت «غیر مسافحین» مؤید این معناست، ضمن آن که اگر منظور از احصان، تزویج باشد، آیه شامل ملک یمین نمی‌گردد، چون احصان تزویج و رجم در آن محقق نیست؛ در حالی که کلمه «ما» در ﴿وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ﴾ شامل نکاح دائم و ملک یمین است و بر فرض تسلیم بر مدعای اول، برخی قائل به تحقق احصان با متعه نیز می‌باشند (بغوی، ۱۴۲۰: ۱/۵۹۵؛ ابن جزی، ۱۴۱۶: ۱/۱۸۷؛ سیوری، ۱۴۱۹: ۲/۱۵۰).

استدلال به کلمه «استمتاع» با معنای لغوی تلذذ نیز به مفهوم پرداخت کل مهریه، در مقابل صرف عقد و تلذذ کلی است که چنین مفهومی صحیح نمی‌باشد و کل مهریه فقط در صورت وطی کامل اعطاء می‌شود؛ ضمن آن که این لفظ، به عنوان لفظ شرعی در زمان پیامبر (ﷺ) استعمال می‌گردید و به متعه عمل می‌شد (قرطبی، ۱۳۶۴: ۵/۱۳۰-۱۲۹؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا: ۲/۳۰۵؛ قمی، ۱۳۶۳: ۱/۱۳۶؛ عاملی، ۱۴۲۳: ۱/۶۳-۶۴).

دلیل دوم: در توجیه قول به عدم مشروعیت با استناد به نسخ آیه، از سه طریق اجماع، آیات قرآن و سنت می‌توان بحث را تبیین نمود. مسئله نسخ مهم‌ترین دلیل مخالفین متعه بوده و اثبات آن از طریق سنت، از اهمیت بیشتری برخوردار است. با توجه به این که از دیدگاه عامه، هم سنت پیامبر (ﷺ) و هم سنت صحابه از حجیت برخوردار است، منظور از سنت در این جا، اعم از روش و دستورات نبوی و صحابی است.

روایات متعددی منسوب به رسول اکرم (ﷺ) درباره نسخ آیه متعه و نهی از انجام آن در کتب حدیثی اهل سنت وجود دارد که از جمله آنها روایت ذیل است:

«یحیی بن یحیی با واسطه از علی بن ابی طالب نقل نموده است: رسول الله (ﷺ) در روز خیبر، از متعه زنان و از خوردن گوشت حمار غیر وحشی نهی نمود.» (قشیری نیشابوری، بی‌تا: ۶/۶۳)

این روایت، زمان نهی از متعه را در روز خیبر و سایر روایات این زمان را در حجة الوداع، در جنگ حنین، در جنگ اوطاس و ... بیان نموده‌اند. بررسی این روایات، به وضوح نشان می‌دهد که در تعیین زمان نسخ با یکدیگر متعارضند، ضمن آن که مهم‌ترین روایت در این باب از حضرت علی (ﷺ) نقل گردیده است که قابل تشکیک و طرد می‌باشد، زیرا به اذعان شیعه و اهل سنت، آن حضرت (ﷺ) قائل به نسخ متعه نبوده

و سیره ایشان و اهل بیت (علیهم السلام) گویای آن است (بحرانی، ۱۴۱۶: ۲/ ۵۹؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱/ ۱۰۴). علاوه بر ایشان، تعداد زیادی از صحابه و تابعین از جمله «ابن عباس»، «جابر بن عبدالله انصاری»، «معاویه بن ابی سفیان»، «زبیر بن عوام قرشی»، «ابی بن کعب انصاری»، «سعید بن جبیر»، «سدی» و... قائل به عدم نسخ متعه، توسط رسول اکرم (ﷺ) بوده‌اند (امینی، ۱۳۵۳: ۶/ ۱۹۳).

آنچه در دیدگاه نسخ متعه از طریق سنت از اتقان بیشتری برخوردار است، نسخ آن توسط صحابی، یعنی «عمر بن خطاب» می‌باشد. روایاتی با اسناد متعدد وجود دارند که تحریم متعه را منسوب به خلیفه دوم دانسته‌اند و شخص خلیفه هم در مواضع مختلفی این نسخ را به خود نسبت داده که بارزترین سخن وی در این زمینه، روایت مشهور ذیل است:

﴿مُتَعَتَانِ كَانَتَا عَلَىٰ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا مُحَمَّدٌ هُمَا وَمُعَاقِبُ عَلَيْهِمَا، مُتَعَةُ الْحَجِّ وَمُتَعَةُ النِّسَاءِ﴾ دو متعه در زمان رسول الله بودند که من آنها را حرام نموده و مرتکب آنها را عقاب می‌کنم، یکی متعه حج و دیگری متعه زنان. این روایت به اشکال متعدد نقل شده است (شیبانی، بی‌تا: ۳/ ۳۲۵؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۵/ ۱۵۸).

برخی عقیده دارند که متعه را پیامبر اکرم (ﷺ) خود در اواخر عمر ممنوع کرده بود و منع خلیفه دوم در واقع اعلام ممنوعیت آن حضرت (ﷺ) بوده است. به هر صورت، تحریم وی به هر دلیلی که بوده، از جمله: روحیه سختگیرانه خلیفه و همچنین حمل حکم وی بر یک فرمان موقت حکومتی، دستور او را اجرا نمودند که به مرور زمان در میان اهل سنت، باعث تبدیل سیره وی به سنت ثابت شده است و مورد پیروی قرار گرفت (مطهری، ۱۳۸۱: ۶۷).

بنابراین با توجه به آنچه بیان گردید از دیدگاه بزرگان اهل تسنن، متعه به دلائل مختلف محکوم به حرمت است، اما از نظر امامیه، مشروع بوده و حکم حلیت آن همواره ادامه دارد.

۲-۲- اختلاف در محرمات

منظور از محرمات نکاح در قرآن، عناوینی هستند که حیطة‌ی حرمت در نکاح را تعیین می‌کنند، بنابراین موارد خارج از آنها، محکوم به جواز می‌باشند. محرمات نکاح در دو عنوان محرمات ناشی از قرابت و غیر قرابت، قابل تبیین هستند.

محرمات ناشی از قرابت مسبب از نسب، رضاع و سبب هستند که از آیات ۲۲ و ۲۳ سوره‌ی نساء دریافت می‌شوند: ﴿...حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ...﴾ حرام شد بر شما (ازدواج با) مادران و دختران و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها و دختران برادر و دختران خواهر و...»

۲-۲-۱- محرمات نسبی

محرمات نسبی شامل: مادر و طبقات قبل از آن، دختر و طبقات بعد از آن، خواهر، عمه، خاله، دختر برادر و دختر خواهر اعم از پدری یا مادری و یا هردو و موارد با واسطه و بی واسطه است. ازدواج با اقسام هفتگانه مذکور به واسطه نسب و رحم به اتفاق فریقین حرام بوده و تحریم آنها ابدی می‌باشد و از نظر بسیاری از فقهاء و مفسرین، این حکم در رحم ایجاد شده، از طریق غیر شرعی نیز جاری است، اما قول مخالف نیز خصوصاً در اهل سنت وجود دارد (رازی، همان: ۱۰/۲۲؛ کاظمی، ۱۳۶۵: ۳/۳۱۹؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۴/۳۱۰؛ شربینی، ۱۳۷۷: ۳/۱۷۵).

در بحث رضاع، بر اساس روایت منقول از رسول اکرم (ﷺ) که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ حَرَّمَ مِنْ الرِّضَاعَةِ مَا حَرَّمَ مِنَ النَّسَبِ؛ همانا خداوند آنچه را در نسب حرام نموده، در رضاع نیز حرام کرده است.»

تمام کسانی که از طریق نسب به انسان محرم می‌شوند، از طریق رضاع نیز محرم می‌گردند (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۴/۳۶۶؛ شبانی، همان: ۱/۲۷۵).

۲-۲-۲- محرمات سببی

در محرمات سببی، حرمت به دو صورت ابدی و یا موقت است که موارد تحریم ابدی شامل: مادر زوجه، دختر زوجه، زوجه پسر و زوجه پدر می‌شود. تحریم موقت مربوط به ازدواج همزمان با دو خواهر است. مذهب امامیه، مطلقاً با احراز عقد، قائل به حرمت مادر زوجه بر زوج بوده و این دیدگاه جمهور اهل سنت نیز می‌باشد، اما دختر زوجه بر زوج فقط با وطی حرام می‌شود و صرف عقد موجب حرمت نمی‌گردد (رازی، همان: ۱۰/۲۷-۲۹؛ کاظمی، همان: ۳/۲۲۴-۲۲۳؛ مقدسی، بی‌تا: ۷/۴۷۲؛ نجفی، بی‌تا: ۲۹/۳۵۲). نکته دیگر این که، بسیاری از علمای امامیه قائل به حرمت مصاهره از طریق زنا نیز شده‌اند که در نتیجه آن؛ زنا با مادر، موجب حرمت ابدی دختر او می‌شود. احناف نیز قائلند کسی که با زنی زنا کند یا او را با شهوت لمس نماید و ...، اصول و فروع آن زن بر او حرام می‌شوند (نجفی، همان: ۲۹/۳۹۸-۳۶۷؛ مصری، ۱۴۱۸: ۳/۱۷۹؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۴/۳۱۴).

حرمت نکاح با زوجه پسر نیز به مجرد عقد حاصل می‌شود و از دیدگاه بسیاری از امامیه و برخی از اهل سنت، این حرمت شامل کنیز پسر هم می‌گردد (حلی، ۱۴۱۳: ۵/۳۳-۳۲؛ کاظمی، همان: ۳/۲۳۱؛ رازی، همان: ۱۰/۳۰-۲۹).

در مورد عدم جواز نکاح با زوجه پدر و جدّ (نکاح موقت) نیز به طور کلی اتفاق نظر وجود دارد، اما اختلاف بر سر انحصار حکم حرمت مسبب از وطی مشروع و یا مطلق و طی چه با عقد و چه بدون عقد است که این اختلاف با توجه به معانی دوگانه نکاح

ظهور یافته است؛ به عبارت بهتر، حکم حرمت ناشی از وطی شرعی، بر اساس معنای عقد برای لفظ نکاح و حکم حرمت مطلق، بر اساس معنای وطی برای این کلمه است که به ترتیب، بسیاری از امامیه، مالکیه و شافعیه؛ قائل به دیدگاه اول و اکثر امامیه و حنفیه قائل به دیدگاه دوم هستند (موسوی، ۱۴۰۶: ۲۶۷؛ سایس، بی تا: ۲۵۰-۲۴۹؛ اصبحی، بی تا: ۲/ ۵۳۳-۵۳۴؛ شافعی، بی تا: ۵/ ۱۶۴؛ طوسی، همان: ۳۰۶/۵؛ سرخسی، ۱۴۰۶: ۴/ ۲۰۵).

به جز موارد مذکور در تحریم ابدی، تحریم موقت مربوط به ازدواج همزمان با دو خواهر است، اما اگر با یکی ازدواج کند و سپس او را طلاق دهد یا آن زن بمیرد، می تواند با خواهر دیگر ازدواج نماید. جمع بین دو خواهر شامل جمع بین آن دو در عقد و وطی در زنان آزاد و جمع بین آن دو در وطی در ملک یمین می شود و این نظر علمای امامیه و اکثر اهل سنت است، اما «مالک بن انس» جمع بین دو کنیز در وطی را مکروه می داند (کاطمی، همان: ۳/ ۲۳۳-۲۳۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/ ۴۹۶).

۲-۳- محرمات غیر نسبی و سببی

علاوه بر محرمات نکاح ناشی از قرابت نسبی، رضاعی و سببی، محرمات ناشی از غیر قرابت نیز وجود دارد که از عناوین مورد بحث فریقین است و اسباب اختلافی آن عبارت از کفر، احسان و زنا می باشد.

۲-۳-۱- کفر

کفر یکی از اسباب عمده در تحریم نکاح است و مذاهب اسلامی نسبت به حرمت ازدواج مسلمان با زن مشرک و زن کافر غیر کتابی اتفاق نظر دارند، اما در حکم ازدواج با زنان اهل کتاب دو دیدگاه وجود دارد (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵/ ۲۰۶؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۱/ ۳۳۳). مذاهب چهارگانه ی اهل سنت و بسیاری از علماء امامیه، قائل به جواز ازدواج مسلمانان با زنان اهل کتاب از یهودی و مسیحی هستند (شافعی، همان: ۵۲/۵؛ سرخسی، همان: ۱۴۰۶: ۵/ ۳۸-۵۰؛ مقدسی، همان: ۷/ ۵۰۷-۵۰۰؛ نجفی، همان: ۳۰/ ۳۱). در اثبات این دیدگاه، علاوه بر روایات به آیه ذیل استناد شده است:

﴿الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ... وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ...﴾ (مائده/ ۵)؛ امروز هر چه پاکیزه است شما را حلال شد و ... حلال شد نکاح زنان پارسای مؤمنه و زنان پارسای اهل کتاب در صورتی که شما اجرت و مهر آنان را بدهید و پاکدامن باشید نه زناکار و رفیق باز ...»

این آیه به طور کلی، ازدواج با زنان اهل کتاب را مباح می شمرد. کلمه «الْمُحْصَنَاتُ» از

ماده «حصن» به معنای منع و حفظ می‌باشد و محصن کسی است که محفوظ باشد. مفاهیم عفت، ازدواج، حریت و اسلام، به دلیل این که همگی باعث منع و حفظ انسان از فحشا می‌شوند، موجبات احسان بوده و فردی که متلبس به آنها باشد، محصن است. آنچه با فحواى این آیه سازگار است، معنای عفت است. زیرا در اکثر موارد این معنا در قرآن به کار رفته و حفظ وحدت سیاق و جواز نکاح با کنیز مسلمان آن را تقویت می‌کند، بنابراین با توجه به مفهوم عفت در کلمه «مُحَصَّنَات»، آیه به طور صریح ازدواج با زنان عقیف اهل کتاب را تجویز می‌کند و ادعای نسخ آن توسط آیه «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ...» (بقره/۲۲۱) مورد اشکال است، زیرا طبق نظر صحیح‌تر، این آیه زنان کتابی را شامل نمی‌شود،^۱ ضمن آن که سابق نمی‌تواند لاحق را نسخ کند، زیرا سوره بقره اولین سوره‌ای است که پس از هجرت در مدینه نازل شده و سوره مائده آخرین سوره‌ای است که بر پیامبر (ﷺ) نازل یافته است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۲۹۷؛ قرطبی، همان: ۳/۶۸؛ جباران، ۱۳۸۳: ۱۸۶-۱۸۴).

در مقابل قول به جواز، برخی از متقدمین امامیه، ازدواج با زن کتابی را ممنوع می‌دانند. این دسته از فقهاء به مستندات متعددی از آیات و مؤیدات روایی در این زمینه استدلال نموده‌اند؛ آیه ذیل به عنوان مهم‌ترین دلیل برای حرمت ازدواج با زنان کتابی اقامه شده است:

﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا مَؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا تُعْجِبُكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا تُعْجِبُكُمْ...» (بقره/۲۲۱)؛ و با زنان مشرک ازدواج مکنید مگر آنکه ایمان آرند و همانا کنیز کی با ایمان بهتر از زن آزاد مشرک است هر چند از (حسن و جمال) او به شگفت آید، و زن به مشرکان مدهید مگر آنکه ایمان آرند و همانا بنده مؤمن بسی بهتر از آزاد مشرک است هر چند از (مال و حسن) او به شگفت آید...»

استنباط دیدگاه حرمت و عدم جواز از آیه فوق در اصل از کلمه‌ی «مشرک» صورت گرفته است. با این بیان که، این کلمه شامل همه‌ی کفار، اعم از کافر ذمی، حربی و همچنین بت‌پرست و اهل کتاب می‌شود و با این تفسیر، بسیاری از علماء امامیه، ازدواج مرد مسلمان با زن کتابی را حرام می‌دانند؛ به طوری که «سید مرتضی» بر این فتوی ادعای اجماع نموده است (موسوی، ۱۴۱۵: ۲۷۹؛ عکبری بغدادی، ۱۴۱۳: ۵۰۰).

۲-۲-۳-۲- احسان (زن شوهردار)

دومین عامل اختلافی در حرمت نکاح از موارد غیر قرابت، ازدواج با زن محصنه یعنی

۱. این آیه در ذیل دیدگاه جواز بررسی شده است.

زن شوهردار است که با استناد به سیاق و عطف، از آیه ذیل برداشت می‌شود: ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ...﴾ (نساء/۲۴)؛ و نکاح زنان شوهردار نیز (برای شما حرام شد) مگر آن زنانی که (در جنگ‌های با کفار، به حکم خدا) متصرف شده‌اید.»

در حکم این آیه اختلافی نیست جز آن که با توجه به استثنای موجود در آیه، ائمه چهارگانه اهل سنت و برخی از امامیه قائل به آن هستند که مسلمانان می‌توانند با زنان شوهرداری که از کفار اسیر شده‌اند، همبستر شوند، زیرا با قطع ارتباط آنان با شوهرانشان، در ردیف زنان بدون شوهر قرار می‌گیرند (قرطبی، همان: ۵ / ۱۲۱؛ کاظمی، همان: ۳ / ۲۳۴).

۲-۳-۳- رابطه‌ی نامشروع

سومین مورد از عوامل تحریم مورد اختلاف، حاصل از رابطه مرد و زن زناکار است و آیه ذیل به آن اشاره دارد: ﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ (نور/۳)؛ مرد زناکار جز با زن زناکار و مشرک نکاح نمی‌کند و زن زانیه را هم جز مرد زانی و مشرک به نکاح نخواهد گرفت و این کار بر مردان مؤمن حرام است.»

برخی از علماء امامیه و اهل سنت معتقدند در صورتی که زن و مرد، مشهور به زنا باشند جز با زناکار حق ازدواج ندارند، مگر این که حد بر آنها جاری شده و از کار زشت خود پشیمان گشته و توبه کنند؛ در مقابل مشهور فقهای امامیه و بسیاری از اهل سنت قائل به جواز ازدواج زن و مرد زناکار با افراد پاک و صالح می‌باشند (طباطبایی، همان: ۲۹ / ۱۲۰؛ روحانی، ۱۴۱۲: ۲۱ / ۳۱۷-۳۱۶؛ زحیلی، بی‌تا: ۹ / ۶۶۴۸؛ نووی، بی‌تا: ۱۶ / ۲۲۱). البته به نظر می‌رسد که تفاوتی میان این دو دسته نیست، با این بیان که دیدگاه حرمت مربوط به زناکارانی است که شهرت به زنا دارند و حکم جواز، مربوط به غیر آنان است.

۲-۳-۴- اختلاف در لوازم و امور متعلق به نکاح

منظور از لوازم نکاح، آن دسته از اموری هستند که با احراز علقه زوجیت، یکی از زوجین یا هر دو، مکلف به رعایت آن‌ها می‌باشند و منظور از امور متعلق به نکاح، مقدمات و توابعی هستند که به ترتیب قبل از ایجاد عقد نکاح و پس از آن در رابطه میان زوجین وجود دارد.

۲-۳-۱- مهریه

لوازم نکاح در قرآن، به دو دسته مالی و غیر مالی قابل تقسیم شده‌اند. لوازم مالی شامل:

مهریه، متاع و نفقه است. لوازم غیر مالی، مربوط به اقامه حقوق زوجیت است. در بحث لوازم مالی، در موضوع مهریه، نسبت به مشروعیت و التزام زوج به آن، میان فریقین اتفاق نظر وجود دارد و در صورت چشم پوشی زوجه از آن، در صورتی که از روی طیب نفس و رضایت خاطر باشد، زوج می‌تواند آن را تصرف نماید و آیه ذیل به تصریح به این بحث اشاره نموده است:

﴿وَأْتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتِهِنَّ مِجْلَةً فَإِن طَبَن لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيمًا مَرِيئًا﴾ (نساء/ ۴)؛ و مهر زنان را در کمال رضایت به آنها بپردازید، پس اگر چیزی از مهر خود را از روی رضا و خشنودی به شما بخشیدند، از آن برخوردار شوید که شما را حلال و گوارا خواهد بود.

نکته قابل تبیین در این جا آن است که مشهور امامیه، برخی از احناف و شافعی، معتقدند زوجه به صرف عقد، مالک همه مهریه می‌شود، اما ملکیت او متزلزل است و با وطی استقرار می‌یابد؛ دلیل اصلی این نظر، استناد به آیه مورد بحث است که در این آیه «صَدَقَات» به «هَنِّ» اضافه شده که ظاهر در تعلق کل مهریه به زوجه است و فرقی بین قبل از وطی و بعد از آن گذاشته نشده است. ضمن آن که زوج مأمور به دادن کل مهریه به زوجه شده که دال بر تعلق کل آن به زوجه است (سبحانی، ۱۴۱۷: ۲/ ۲۶۰-۲۵۹؛ اندلسی، ۱۴۱۵: ۲/ ۲۰؛ شافعی، ۱۴۰۳: ۵/ ۶۵؛ سرخسی، همان: ۵/ ۷۵-۷۴). در مقابل این نظر، «مالک بن انس» معتقد است با عقد، نصف مهریه به تملیک زوجه در می‌آید و لذا اگر کل مهریه را دریافت کند، مالک نیمی از آن است و نیم دیگر آن در نزد او امانت می‌باشد (طوسی، ۱۴۰۷: ۴/ ۳۶۹).

بحث مشروعیت در مقدار مهریه نیز طبق نظر برخی از مفسرین از آیه ذیل فهمیده می‌شود: **﴿وَإِن أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قَنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا...﴾** (نساء/ ۲۰)؛ و اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر اختیار نمایید و مال بسیار مهر او کرده‌اید نباید چیزی از مهر او بازگیرید...

در واقع عبارت **﴿وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قَنْطَارًا﴾** دال بر امکان افراط در مقدار مهریه بوده و بنابراین زیاده روی در مهریه حتی بیش از مهرالسنه جایز است. برخی از اهل سنت و اکثر امامیه قائل به این دیدگاه هستند (رازی، ۱۴۲۰: ۱۰/ ۱۳؛ کاظمی، همان: ۳/ ۲۴۳؛ سبحانی، همان: ۲/ ۱۸۵).

مطلب مهم دیگر در مورد مهریه، مرتبط با میزان تعلق آن به زوجه، با توجه به شرایط ایجاد شده پس از عقد نکاح است. با توجه به آیه **﴿وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ...﴾** (نساء، ۲۱)؛ و چگونه مهر آنان را خواهید گرفت در حالی که هر کدام به بهره خود رسیده‌اید... و آیه **﴿وَإِن طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَمْسُوهُنَّ وَقَدْ قَرَضْتُمْ لَهُنَّ﴾**

سال ششم
شماره دوم
پیاپی: ۱۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

فَرِيضَةً فَرِيضَةً مَّفْرُوضَةً...» (بقره/۲۳۷)؛ و اگر زن‌ها را قبل از مباشرت با آنها طلاق دهید، در صورتی که بر آنان مهر مقرر داشته‌اید بایستی نصف مهری را که تعیین شده به آنها بدهید...»

اگر مهریه در زمان عقد برای زوجه تعیین شده باشد، در صورت «افضاء» و «مس» تمام مهریه متعلق به زوجه بوده و زوج نمی‌تواند چیزی از آن را بازگیرد و در غیر این صورت، نیمی از مهر المسمی به زوجه تعلق دارد و در صورت اخذ کل، نیم دیگر به زوج بازگردانده می‌شود. نکته اساسی در اینجا، تفسیر کلمات «افضاء» و «مس» است که میان فریقین در آن اختلاف وجود دارد؛ طبق دیدگاه مشهور امامیه و نظر مشهور «شافعی»، افضاء کنایه از جماع و وطی است، زیرا کلام به صورت تعجیبی آمده که دال بر آن است که افضاء سبب قوی در ایجاد انس و الفت میان زن و شوهر بوده که همان جماع است، ضمن آن که متعدی شدن افضاء با «إلی»، دلالت بر وصول و انتهاء غایت دارد (کاظمی، همان: ۳/ ۲۴۵؛ سبحانی، همان: ۲/ ۲۳۰-۲۲۹؛ جصاص، همان: ۲/ ۱۴۸-۱۴۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲/ ۴۵۳).

در مقابل این نظر، بر اساس دیدگاه «ابوحنیفه» و برخی از اصحابش، «احمد بن حنبل» و برخی از فقهای امامیه، افضاء به معنای خلوت است، گرچه مجامعت صورت نگیرد. این قول حاکی از سببیت خلوت است و از آنجا نشأت گرفته که در تفسیر کلمه «مس» در آیه دوم اختلاف وجود دارد. زیرا برخی معتقدند، مراد از مس، خلوت است؛ بنابراین در صورت تحقق خلوت صحیح، کل مهریه برای زوجه مستقر می‌شود و منظور از آن، عدم وجود مانع حسی مثل: مرض، وجود شخص ثالث حتی به صورت خواب و مانع شرعی مانند: حیض، نفاس، احرام و ... است (حنفی، ۱۴۱۵: ۳/ ۱۲۲؛ طوسی، بی تا: ۲/ ۲۷۳؛ زحیلی، همان: ۲/ ۳۸۸).

۲-۳-۲- متاع

دومین مورد از لوازم مالی نکاح، متاع است. طبق آیه «لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ» (بقره/۲۳۶)؛ باکی بر شما نیست اگر طلاق دهید زنانی را که با آنان مباشرت نکرده و مهری مقرر نداشته‌اید ولی آنها را به چیزی بهره‌مند سازید، دارا به قدر خود و نادار به قدر خویش به بهره‌ای شایسته او، که این سزاوار مقام نیکوکاران است.»

زوج موظف است در مواردی به زوجه متاع یا هدیه دهد. آیه بر طلاق بدون تعیین مهریه، حکم جواز را مرتب می‌کند که به آن تفویض بضع گفته می‌شود. طبق نظر بسیاری از مفسرین امامیه و اهل سنت است، «أو» در آیه به معنای «و» است، لذا

منطوق آیه بیانگر طلاق زوجه قبل از وطی و تعیین مهریه است که در این حالت، زوج باید به زوجه متاع پرداخت کند، اما اگر «أو» به معنای تردید باشد، آیه شامل طلاق زوجه قبل از وطی چه با تعیین و چه بدون تعیین مهریه و همچنین قبل از تعیین چه با وطی و چه بدون وطی می‌شود که در همه این چهار حالت، متاع واجب است و این یکی از اقوال «شافعی» است (کاظمی، همان: ۳/ ۲۴۹-۲۴۸؛ رازی، همان: ۶/ ۴۷۷؛ بیضاوی، همان: ۱/ ۱۴۶).

۲-۳-۳- نفقه

آخرین موضوع در لوازم مالی نکاح، نفقه است. بر اساس آیه ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...﴾ (نسا، ۳۴)؛ مردان را بر زنان تسلط و حق نگهداری است به واسطه آن برتری که خدا برای بعضی بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه آنکه مردان از مال خود نفقه دهند...» زوج مستقیماً وظیفه و مسئولیت انفاق را دارد و در صورتی که زوجه در عقد دائم زوج باشد و از وی تمکین کامل نماید، نفقه او بر زوج واجب است. همچنین با توجه به روایات متعدد و اطلاق آیه‌ی ﴿اسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُنْضِرُوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمِلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ...﴾ (طلاق/ ۶)؛ آنان (زنان مطلقه) را در همان منزل خویش که میسر شماسست بنشانید و به ایشان (در نفقه و سکنی) آزار و زیان نرسانید تا آنان را در مضیقه و رنج در افکنید (که به ناچار از حق خود بگذرند) و به زنان مطلقه اگر حامله باشند تا وقت وضع حمل نفقه دهید...»

زوجه مطلقه در طلاق رجعی و بائن در صورتی که باردار باشد، اجماعاً مستحق نفقه و سکنی تا زمان وضع حمل است، اما در صورتی که باردار نباشد، طبق مذهب امامیه، مطلقه بائن استحقاق هیچ یک از سکنی و نفقه را ندارد و نظر «احمد بن حنبل» نیز همین است، اما از دیدگاه «مالک» و «شافعی»، وی مستحق نفقه نیست، اما زوج باید او را اسکان دهد و «ابوحنیفه» نفقه و اسکان را برای او لازم می‌داند (سیوری، ۱۴۱۹: ۲/ ۲۱۸؛ رازی، همان: ۳۰/ ۵۶۴؛ قرطبی، همان: ۱۸/ ۱۶۷؛ زحیلی، همان: ۲۸۸-۲۸۵).

نکته آخر مربوط به مقدار نفقه است که این موضوع نیز از موارد اختلافی میان فریقین است؛ بر اساس آیه ﴿لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾ (طلاق/ ۷)؛ مرد دارا به وسعت و فراوانی، نفقه زن شپرده دهد، و آن که نادار و تنگ معیشت است از آنچه خدا به او داده انفاق کند. که خدا هیچ کس را جز به مقدار آنچه (توانایی) داده تکلیف نمی‌کند، و خدا به زودی بعد هر سختی آسانی قرار دهد.»

سال ششم
شماره دوم
پیاپی: ۱۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۰

طبق نظر برخی، با توجه به جمله ﴿لَا يَكْفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا﴾ حال زوج در مقدار انفاق معتبر است، لذا «شافعی» معتقد است در صورت تنگ دست بودن زوج، یک مد، در صورت متوسط بودن او، یک و نیم مد و در صورت قدرت مالی او، دو مد به زوجه تعلق می‌گیرد، اما بسیاری از علماء امامیه قائلند، حال زوجه در میزان نفقه در نظر گرفته می‌شود و باید به اندازه‌ای باشد که با توجه به عرف و عادت کفایت او را بکند و در صورت تنگ دستی، زوج مقداری که می‌تواند را پرداخت نموده و با توجه به جمله «سَيَعْلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ أُسْرًا»، مابقی به عنوان دین بر عهده او باقی می‌ماند تا بعداً آن را ادا کند (قرطبی، همان: ۱۸ / ۱۷۰؛ زحیلی، همان: ۲۸ / ۲۹۰؛ سیوری، همان: ۲۲۰-۲۱۹).

۲-۳-۴- شقاق

در بحث لوازم غیر مالی نکاح، در شقاق اختلافاتی وجود دارد که این موضوع در آیه ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعُوهُنَّ مِنْ أَهْلِهِنَّ وَأَهْلِهِنَّ مِنْ أَهْلِهِنَّ بِإِذْنِ نَفْسِكُمْ وَإِنْ لَمْ تَجِدُوا لَهُنَّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكُمْ فَمَا يَكْفِيَ الْمَالَ وَالْمَالُ بِكْفٍ يَكْفِيكُمْ﴾ (نساء/۳۵)؛ و چنانچه بیم آن دارید که نزاع سخت بین آنها پدید آید، از طرف کسان مرد و کسان زن داوری برگزینید، که اگر مقصود اصلاح داشته باشند خدا میان ایشان موافقت و سازگاری برقرار کند...» تبیین شده و در آن دستور به حکمیت داده شده است. در واگذاری امر به حکمین دو نظر وجود دارد:

طبق دیدگاه اکثر امامیه و یکی از نظرات «شافعی»، این امر از باب تحکیم است، بنابراین در جواز و تنفیذ اصلاح امر توسط حکمین، نیازی به اذن زوجین نیست، جز در مورد طلاق که در آن روایت وجود دارد، اما مطابق با دیدگاه برخی دیگر از اهل سنت مانند «ابوحنیفه»، امر مذکور از باب توکیل است و تنفیذ حکم بر اساس آن، منوط به اجازه دادن زوجین است (سیوری، همان: ۲ / ۲۱۴؛ رازی، همان: ۱۰ / ۷۴).

۲-۳-۵- نگاه

به جز لوازم نکاح، موضوع نگاه و برخی از احکام وطی که از متعلقات نکاح هستند، نیز در مواردی از مسائل اختلافی مذاهب اسلامی می‌باشند. از مجموع بحث نگاه، دو نگاه مستقیماً با نکاح مرتبط است:

مورد اول: نگاه زوج به زوجه و بر عکس که هر دو می‌توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند. مورد دوم: نگاه به مخطوبه که طبق نظر مالکیان و شافعیان با توجه به جمله ﴿إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ (نور/۳۱)؛ نگاه فقط به مواضع ظاهر که بر اساس روایات، منظور صورت و دستها تا میچ است، جایز می‌باشد و طبق نظر حنابله، آنچه را که عادتاً آشکار است، می‌توان نگاه نمود و از دیدگاه احناف، به غیر از وجه و کفین، نگاه به دو پا تا میچ نیز

جایز است. دیدگاه علماء امامیه در این زمینه مختلف است، اما با توجه به روایات موجود در این باب، بسیاری معتقدند نگاه به آنچه که جزء محاسن زن بوده و در مقدار مهریه تأثیر گذار است، به شرطی که از حد و کیفیت متعارف تجاوز نکند و از روی لباس نازک باشد، جایز است (اندلسی، همان: ۲ / ۴؛ سدیس، ۱۴۲۵: ۲۲۸-۲۲۷؛ طرابلسی، ۱۴۰۶: ۲ / ۲۲۱؛ سبحانی، همان: ۱ / ۱۶-۱۵).

۲-۳-۶- نحوه‌ی آمیزش

موضوع اختلافی دوم، مربوط به یکی از احکام وطی است که در حکم آن در صور مختلف، تفاوت دیدگاه است. با توجه به آیه ﴿فَسَاوِرْكَ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ...﴾ (بقره / ۲۲۳)؛ زنان شما کشتزار شمایند، پس (برای کشت فرزند صالح) بدانها نزدیک شوید هرگاه (مباشرت آنان) خواهید...»

حرث بودن به زنان نسبت داده شده که یا منظور این است که زنان مانند کشت هستند و یا به معنای آن است که خداوند زنان را به کشتزاری تشبیه فرموده که بذر آن نطفه و محصول آن فرزند است (طبرسی، ۱۳۶۰: ۲ / ۳۱۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲ / ۱۶۲). اشکالی اساسی در تفسیر کلمه ی «أَنَّى» است که از دیدگاه مفسران و فقهای امامیه و اهل سنت در معنای آن اختلاف وجود دارد.

طبق دیدگاه بسیاری از علماء امامیه که با روایات شأن نزول آیه همخوانی دارد، «أَنَّى» ظرف مخصوص مکان به معنای «این» یا «من این» است و گاهی برای زمان هم استفاده می‌شود، لذا در این آیه اصل بر این است که در معنای مکان استعمال شده و با این تفسیر، جواز آمیزش از راه دُبُر (پشت) یا از پشت به جلو اثبات می‌شود (طوسی، بی‌تا: ۲ / ۲۲۳؛ نجفی، بی‌تا: ۲۹ / ۱۰۸).

بسیاری از فقها و مفسرین اهل سنت، «أَنَّى» را حمل بر معنای مجازی آن و دالّ بر کیفیت دانسته اند، با این وصف که طبق این آیه، آمیزش می‌تواند به انحاء مختلف مثل: نشسته، خوابیده، خمیده و ... صورت گیرد. لذا اکثر علمای اهل سنت به جز «مالک بن انس» قائل به حرمت نزدیکی با زوجه از طریق پشت شده‌اند (زمخسری، همان ۱ / ۲۶۶؛ آلوسی، همان: ۲ / ۱۸۸؛ ابن عاشور، بی‌تا: ۲ / ۳۵۳).

برخی از مفسرین فریقین، «أَنَّى» را ظرف زمان دانسته و بر این اساس، آیه را چنین تفسیر کرده‌اند که هر زمانی از شب و روز که خواستید با همسرانتان آمیزش کنید، در نتیجه این آیه مربوط به زمان نزدیکی بوده و از مکان منصرف است و قرائن و روایاتی نیز در این زمینه و حرمت وطی از پشت وجود دارد (مغنیه، همان: ۱ / ۳۳۷؛ قلمونی، ۱۹۹۰: ۲ / ۲۸۸؛ جصاص، همان: ۲ / ۳۹). امامیه میان روایات جواز و حرمت به چند صورت جمع نموده‌اند؛ با این بیان که روایات حرمت، حمل بر صورت عدم رضای زوجه

یا حمل بر کراهت شدید و یا حمل بر تقیه می‌شود، زیرا در میان فقهای اهل سنت، فقط «مالک بن انس» فتوی به جواز داده است (نجفی، همان: ۱۰۷/۲۹؛ کاظمی، همان: ۳۰۲/۲؛ قرطبی، همان: ۳/۹۴-۹۳).

نتیجه

از مجموع تحقیق حاضر، نتایج زیر حاصل می‌شود:

- ۱- در هر سه محور مشروعیت، محرمات و لوازم و توابع نکاح، دیدگاه‌های متعددی، مبتنی بر استناد به معانی مفردات آیات، سیاق آیات، برخی روایات و ... ظهور یافته که برخی منجر به اختلافات تفسیری فریقین شده است.
- ۲- در تفسیر برخی آیات، میان مذاهب چهارگانه اهل سنت، اختلاف رأی وجود دارد و برخی، هم‌رأی با امامیه و برخی مخالفند. ظاهر آن است که به تفکیک در مواضع مختلف، رأی مذهب حنفی با دیگر مذاهب تفاوت بیشتری دارد.
- ۳- از دیدگاه نگارنده، گرچه اختلافاتی در هر سه محور مذکور وجود دارد، اما اولاً بیشتر اختلافات در جزئیات و به صورت درون مذهبی است، بنابراین ناشی از تقابل مبانی فریقین نیست و ثانیاً در اختلافات کلی مانند ازدواج موقت نیز امکان تقریب وجود دارد، زیرا در نزد بسیاری از اهل سنت، نکاح مسیار با قوانین و شرایط شبیه به عقد موقت، جایز و مباح است.

فهرست منابع

قرآن کریم (ترجمه مهدی الهی قمشه ای)

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۰۵ق): «لسان العرب»، قم: نشر ادب الحوزه.
۲. امینی، عبدالحسین (۱۳۵۳ش): «الغدیر»، ترجمه جمال موسوی، بی جا: نشر ایرانمهر.
۳. اصبحی، مالك بن انس (۱۴۰۶ق): «الموطأ»، تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، بی جا: دار احیاء التراث العربی.
۴. اندلسی، ابن رشد (۱۴۱۵ق): «بداية المجتهد و نهاية المقتصد»، تصحیح خالد عطار، بیروت: دار الفکر.
۵. ابن جزی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق): «التسهیل لعلوم التنزیل»، تحقیق عبدالله خالدی، بیروت: دار الأرقم، چاپ اول.
۶. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا): «التحریر و التتویر»، بیروت: مؤسسه التاريخ، چاپ اول.
۷. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم»، تحقیق علی عبد الباری عطیة، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق): «صحیح البخاری»، بی جا: دارالفکر.
۹. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق): «معالم التنزیل فی تفسیر القرآن»، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۰. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق): «انوار التنزیل و اسرار التأویل»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۱. ثعلبی، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق): «الكشف و البیان عن تفسیر القرآن»، تحقیق ابو محمد بن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق): «الصحاح»، تصحیح احمد عبدالغفور (عطار)، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ چهارم.
۱۳. جباران، محمدرضا (۱۳۸۳ش): «ازدواج با بیگانگان»، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۴. جصاص، ابوبکر احمد بن علی (۱۴۰۵ق): «أحكام القرآن»، تحقیق محمد صادق قمحاوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۵. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله (بی تا): «المستدرک»، تحقیق یوسف عبد الرحمن المرعشلی، بیروت: دارالمعرفة.
۱۶. حسینی روحانی، صادق (۱۴۱۲ق): «فقه الصادق (علیه السلام)»، قم: دار الکتب، چاپ اول.
۱۷. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۸ق): «تذکره الفقهاء»، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
۱۸. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق): «مختلف الشیعه فی احکام الشریعه»، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۱۹. حنفی، ابن عابدین (۱۴۱۵ق): «حاشیة رد المحتار علی الدر المختار»، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۲۰. دمشقی، ابن کثیر اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق): «تفسیر القرآن العظیم»، تحقیق محمد حسین شمس الدین. بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۲۱. ذهبی، محمد بن احمد (۱۳۸۲ق): «میزان الإعتدال»، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت: دار المعرفة، چاپ اول.
۲۲. رازی، عبدالرحمن ابن ابی حاتم (۱۴۱۹ق): «تفسیر القرآن العظیم»، تصحیح اسعد محمد طیب، ریاض: مکتبة نزار مصطفی الباز، چاپ سوم.
۲۳. رازی، فخرالدین (۱۴۲۰ق): «التفسیر الکبیر»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۲۴. زحیلی، وهبه (بی تا): «الفقه الاسلامی و ادلته»، دمشق: دار الفکر.
۲۵. زحیلی، وهبه (۱۴۱۸ق): «تفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج»، بیروت: دار الفکر المعاصر، چاپ دوم.

۲۶. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق): «الكشاف عن حقائق التنزيل»، تحقیق محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دار الكتاب العربی، چاپ سوم.
۲۷. سایس، محمد علی (بی تا): «تفسیر آیات الأحكام»، تحقیق ناجی ابراهیم سویدان، بیروت: مکتبه العصریه، چاپ اول.
۲۸. سبحانی، جعفر (۱۴۱۷ق): «نظام النکاح فی الشریعة الاسلامیه الغراء»، قم: مؤسسه نشر امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.
۲۹. سدیس، محمد بن عبدالعزیز (۱۴۲۵ق): «مقدمات النکاح (دراسة المقارنة)»، مدینه: الجامعة الإسلامیة بالمدينة المنورة.
۳۰. سرخسی، شمس الدین (۱۴۰۶ق): «المبسوط»، بیروت: دار المعرفه.
۳۱. سیوری، فاضل مقداد (۱۴۱۹ق): «کنز العرفان فی فقه القرآن»، تحقیق سید محمد قاضی، تهران: مجمع تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول.
۳۲. سیوطی، جلال الدین (بی تا): «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور»، بیروت: دار المعرفه للطباعة و النشر.
۳۳. شافعی، محمد بن ادیس (۱۴۰۳ق): «کتاب الأم»، بی جا: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ دوم.
۳۴. شربینی، محمد بن احمد (۱۳۷۷): «معنی المحتاج إلى معرفة معانی الفاظ المنهاج»، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۵. شبانی، احمد بن حنبل (بی تا): «المسند»، بیروت: دار صادر.
۳۶. طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، ترجمه مترجمان، قم: دفتر انتشارات مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: فراهانی، چاپ اول.
۳۸. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق): «جامع البیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار المعرفه، چاپ اول.
۳۹. طرابلسی، ابن براج (۱۴۰۶ق): «المهذب»، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن (بی تا): «التبیان فی تفسیر القرآن»، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق): «الخلافة»، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن (بی تا): «المبسوط فی الفقه الإمامیة»، تصحیح محمد تقی کشفی، تهران: المکتبه المرثویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۴۳. عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۳ق): «زواج المتعه»، بیروت: المركز الإسلامی للدراسات، چاپ اول.
۴۴. عکبری بغدادی، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق): «المقتعه»، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول.
۴۵. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق): «تفسیر عیاشی»، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه، چاپ اول.
۴۶. فاروقی، حارث سلیمان (۱۹۹۱م): «المعجم القانوني»، بیروت: مطابع تیپو پرس، چاپ سوم.
۴۷. فاکر میبیدی، محمد (۱۳۸۶ش): «باز پژوهی آیات فقهی قرآن»، تهران: سازمان انتشارات و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۴۸. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش): «الجامع لأحكام القرآن»، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول.
۴۹. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا): «الجامع الصحیح (صحیح مسلم)»، بیروت: دار الفکر.
۵۰. قلمونی، محمد رشید بن علی رضا (۱۹۹۰م): «تفسیر المنار»، قاهره: الهیئه المصریة.
۵۱. قلجی، محمد (۱۴۰۸ق): «معجم لغة الفقهاء»، بیروت: دار النفاثس، چاپ دوم.
۵۲. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش): «تفسیر قمی»، تحقیق طیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب، چاپ سوم.
۵۳. کاظمی، جواد بن سعد (۱۳۶۵ش): «مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام»، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، چاپ دوم.

۵۴. مصری، ابن نجیم (۱۴۱۸ق): «البحر الرائق»، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
۵۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱ش): «نظام حقوق زن در اسلام»، تهران: صدرا، چاپ سی و دوم.
۵۶. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق): «تفسیر الکاشف»، تهران: دارالکتب العربی، چاپ اول.
۵۷. مقدسی، عبدالله بن قدامه (بی تا): «المغنی»، بیروت: دار الکتب العربی للنشر و التوزیع.
۵۸. موصلی، ابن اثیر (۱۳۶۴ق): «النهایه فی غریب الحدیث و الأثر»، تحقیق طاهر احمد الزاوی، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۵۹. موسوی، علی بن حسین (سید مرتضی) (۱۴۱۵ق): «الانتصار فی انفرادات الإمامیه»، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول.
۶۰. موسوی، محمد بن حسین (سید رضی) (۱۴۰۶ق): «حقائق التأویل فی متشابه التنزیل»، بیروت: دارالأضواء، چاپ اول.
۶۱. نجفی، محمد حسن (بی تا): «جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام»، تصحیح عباس قوچانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۶۲. نووی، محی الدین (بی تا): «المجموع شرح المهذب»، بی جا: دار الفکر.
۶۳. نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸ق): «مستدرک الوسائل»، بی جا: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ دوم.

References

Holy Quran (translated by Mahdi Elahi Ghomshei)

1. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mokram (1405 AH): "Lisan Al-arab", Qom: Publication of the literature of the seminary.
2. Amini, Abdolhossein (1353 SH): "Al-Ghadir", translated by Jamal Mousavi, misplaced: Iranmehr Publishing.
3. Asbahi, Malik Ibn Anas (1406 AH): "Al-Muwata", research of Muhammad Fouad Abd al-Baqi, (No date): Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
4. Andalusian, Ibn Rushd (1415 AH): "Bedayah Al- Mujtahid wa Nehayah AL- Muqtasad", corrected by Khalid Attar, Beirut: Dar al-Fikr.
5. Ibn Jezi, Muhammad ibn Ahmad (1416 AH): "Al-tashil leolom Al-tanzil", research of Abdullah Khaledi, Beirut: Dar al-Arqam, first edition.
6. Ibn Ashour, Muhammad Ibn Tahir (No date): "Al-tahrir wa Al-tanwir", Beirut: Institute of History, first edition.
7. Alusi, Mahmoud (1415 AH): "Roh Al-maani fi Tafsir Al-Quran Al-azim", research by Abd al-Bari Atiyah, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiya, first edition.
8. Bukhari, Muhammad ibn Ismail (1401 AH): "Sahih Bukhari", (No place): Dar al-Fikr.
9. Baghawi, Hussein Ibn Massoud (1420 AH): "Maalem Al-tanzil fi Tafsir Al-Qur'an", research by Abdul Razzaq Al-Mahdi, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, first edition.
10. Beizawi, Abdullah Ibn Umar (1418 AH): "Anwar Al-tanzil wa Asrar Al-taawil", Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, first edition.
11. Thaalebi, Abu Ishaq Ahmad Ibn Ibrahim (1422 AH): "Al-Kashf wa Al-Bayyan An Tafsir Al-Quran", research by Abu Muhammad Ibn Ashour, Yaroot: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, first edition.
12. Johari, Ismail Ibn Hammad (1407 AH): "Al-Sehah", edited by Ahmad Abdul Ghafoor (Attar), Beirut: Dar al-Alam for the Malays, fourth edition.
13. Jabaran, Mohammad Reza (1383 SH): "Marriage with Foreigners", Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
14. Jasas, Abu Bakr Ahmad Ibn Ali (1405 AH): "Rules of the Qur'an", research by Mohammad Sadegh Qomhawi, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
15. Hakim Neyshabouri, Abu Abdullah (No date): "Al-Mustadrak", research by Yusuf Abdul Rahman Al-Marashli, Beirut: Dar Al-Ma'rifah.
16. Hosseini Rouhani, Sadegh (1412 AH): "Fiqh al-Sadiq (peace be upon him)", Qom: Dar al-Kitab, first edition.
17. Hali, Hassan Ibn Yusuf (1388 AH): "Remembrance of the jurists", Qom: Al-Bayt Institute, first edition.
18. Hali, Hassan Ibn Yusuf (1413 AH): "Different Shiites in the rules of Sharia", Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers, second edition.
19. Hanafi, Ibn Abedin (1415 AH): "Hashiyah Rad Al- Muhtar Ala Al-Dor Al-Mukhtar", Beirut: Dar Al-Fikr for printing, publishing and distribution.
20. Damascus, Ibn Kathir Ismail Ibn Amr (1419 AH): "Tafsir Al-Quran Al-Azeem", researched by Muhammad Hussein Shamsuddin. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Almiyeh, first edition.
21. Zahabi, Mohammad Ibn Ahmad (1382 AH): "Mizan Al-eatedal", research by Ali Mohammad Bajavi, Beirut: Dar Al-Marafa, first edition.
22. Razi, Abdul Rahman Ibn Abi Hatim (1419 AH): "Tafsir Al-Quran Al-Azim", edited by Asad Mohammad Tayeb, Riyadh: Nizar Mustafa Al-Baz School, third edition.

23. Razi, Fakhreddin (1420 AH): "Al-Tafsir Al-Kabir", Beirut: Dar Al-Ehya Al-Tarath Al-Arabi, third edition.
24. Zohaili, Wahba (No date): "Islamic jurisprudence and its evidence", Damascus: Dar al-Fikr.
25. Zohaili, Wahba (1418 AH): "Tafsir al-Munir fi al-Aqida wa al-Shari'ah wa al-Manhaj", Beirut: Dar al-Fikr al-Maasir, second edition.
26. Zamakhshari, Mahmoud (1407 AH): "Al-kashaf an Haqaeq Al-tanzil", research by Mohammad Abdul Rahman Marashli, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi, third edition.
27. Sayes, Mohammad Ali (No date: "Interpretation of the verses of the rulings", research of the savior of Ibrahim Suwaydan, Beirut: Maktab al-Asriya, first edition.
28. Sobhani, Ja'far (1417 AH): "The system of marriage in Islamic holy Sharia", Qom: Imam Sadegh (as) Publishing Institute, first edition.
29. Soddis, Muhammad ibn Abdul Aziz (1425 AH): "Preliminaries of Marriage (Comparative Study)", Medina: The Islamic Society in the Enlightened City.
30. Sarakhsi, Shams al-Din (1406 AH): "Expanded", Beirut: Dar al-Ma'rifah.
31. Saiyori, Fazel Meqdad (1419 AH): "Kanz Al-erfan fi feqh Al-Quran", research by Seyyed Mohammad Ghazi, Tehran: Assembly of Islamic Religions, First Edition.
32. Siouti, Jalal al-Din (No place): "Al-Dar Al-Manthur Fi Tafsir Bal-Mathur", Beirut
33. Shafi'i, Muhammad ibn Idris (1403 AH): "Kitab al-Umm", (No Date): Dar al-Fikr for printing, publishing and distribution, second edition.
34. Sharbini, Muhammad ibn Ahmad (1377 AH): "The rich needy to know the meanings of the words of the curve", Beirut: Dar Al-Ihya Al-Tarath Al-Arabi.
35. Sheibani, Ahmad Ibn Hanbal (No place): "Al-Musnad", Beirut: Dar Sader.
36. Tabatabai, Mohammad Hussein (1417 AH): "Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran", translated by translators, Qom: Seminary Teachers Publishing Office, fifth edition.
37. Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (1360 SH): "Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran", Tehran: Farahani, first edition.
38. Tabari, Muhammad ibn Jarir (1412 AH): "Jame 'al-Bayyan fi Tafsir al-Quran", Beirut: Dar al-Ma'rifah, first edition.
39. Tripoli, Ibn Braj (1406 AH): "Al-Mohadhab", Qom: Islamic Publications Office.
40. Tusi, Muhammad ibn Hassan (No date): "Al-tebyan fi Tafsir Al- Qur'an", research by Ahmad Qusair Ameli, Beirut: Dar Al-Ihya Al-Tarath Al-Arabi.
41. Tusi, Muhammad ibn Hassan (1407 AH): "Al-Khalaf", Qom: Islamic Publishing Institute affiliated with the Society of Teachers.
42. Tusi, Muhammad ibn Hassan (No date): "Al-mabsot fi Feqh Al-Emamiyeh", corrected by Muhammad Taqi Kashfi, Tehran: Al-Mortazawiyah Library for the revival of Al-Jaafari's works.
43. Ameli, Jafar Morteza (1423 AH): "Marriage of Mut'a", Beirut: Islamic Center for Studies, first edition.
44. Akbari Baghdadi, Mohammad Ibn Mohammad (1413 AH): "Al-Muqneah", Qom: Sheikh Mofid Millennium World Congress, first edition.
45. Ayashi, Mohammad Ibn Massoud (1380 AH): "Ayashi Interpretation", research by Seyyed Hashem Rasooli Mahallati, Tehran: Theological Press, first edition.
46. Farooqi, Harith Suleiman (1991 AD): "Legal Dictionary", Beirut: Tipo Press Press, third edition.
47. Faker Meybodi, Mohammad (2007 AD): "Re-examination of Quranic jurisprudential verses", Tehran: Publishing Organization and Research Institute of Islamic Culture and Thought, first edition.
48. Qurtobi, Mohammad Ibn Ahmad (1364 AH): "Al-Jame Leahkam Al- Qur'an", Tehran: Nasser Khosrow Publications, first edition.

49. Qashiri Neyshabouri, Muslim Ibn Hajjaj (No place): "Al-Jame 'Al-Sahih (Sahih Muslim)", Beirut: Dar Al-Fikr.
50. Qalmouni, Mohammad Rashid bin Ali Reza (1990): "Tafsir Al-Manar", Cairo: Egyptian delegation.
51. Qalaji, Muhammad (1408 AH): "Dictionary of the language of the jurists", Beirut: Dar al-Nifais, second edition.
52. Qomi, Ali Ibn Ibrahim (1948): "Tafsir Qomi", research by Tayeb Mousavi Jazayeri, Qom: Dar al-Kitab, third edition.
53. Kazemi, Javad Ibn Saad (1986): "TMasalek Al-afham ela Ayat Al-ahkam", Tehran: Mortazavi Bookstore, Second Edition.
54. Mesri, Ibn Najim (1418 AH): "Al-bahr Al-raeq", Beirut: Dar Al-Kitab Al-Almiyeh, first edition.
55. Motahari, Morteza (2002): "The system of women's rights in Islam", Tehran: Sadra, 32nd edition.
56. Mughniyeh, Mohammad Javad (1424 AH): "Tafsir al-Kashif", Tehran: Dar al-Kitab al-Arabi, first edition.
57. Al-Moqadasi, Abdullah Ibn Qadameh (no date): "Al-Mughni", Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi for publishing and distribution.
58. Moseli, Ibn Athir (1364 AH): "Al-nahayeh fi Qarib Al-hadith wa Al-athar", research by Tahir Ahmad Al-Zawi, Qom: Ismaili Institute, fourth edition.
59. Mousavi, Ali Ibn Hussein (Sayyid Morteza) (1415 AH): "Al-Intisar Fi Enfaradat Al-Imamiya", Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers, first edition.
60. Mousavi, Muhammad ibn Husayn (Sayyid Razi) (1406 AH): "Haqaeq Al-taawil fi Motashabeh Al-tanzil", Beirut: Dar al-Azwa, first edition.
61. Najafi, Mohammad Hassan (no date): "Jawaher Al-Kalam", edited by Abbas Quchani, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, seventh edition.
62. Nowawi, Mohi-ud-Din (no date), "Al-majmoa Sharh Al-mohazab", Bija: Dar al-Fikr.
63. Nouri Tabarsi, Hussein (1408 AH): "Mustadrak al-Wasa'il", Bija: Al-Bayt Institute for the Revival of Heritage, second edition.